



واژه اشه در یسن ۲۸ گاهان اوستا

دکتر زهرا تبریزی شهروی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چکیده

"اشه" یا "ارته" در مزدیسنا مفهومی گسترده دارد و از مهم‌ترین مفاهیم در این دین است. اشه به معنی حقیقت و درستی است، اما معنی عمیق‌تر آن قانونی است ازلی و ابدی که اهورامزدا وضع کرده و بر اساس آن هر عملی، عکس‌العملی در بر دارد و هر کار نیک یا بدی پاداش یا پادافره خود را دارد. در اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان و کهن‌ترین بخش آن گاهان به بررسی واژه اشه در یسن‌ها پرداخت شده است.

کلید واژگان: اشه، مزدیسنا، گاهان، یسن‌ها



مقدمه:

کتاب دینی زرتشتیان اوستا نام دارد و زبانی را که این کتاب بدان نوشته شده اوستائی نامیده‌اند. متون اوستایی بر اساس ویژگی‌ها و قدمت زبانی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- متون گاهانی ۲- متون اوستائی متأخر. گاهان به معنی سرود قدیمی‌ترین بخش اوستا و کهن‌ترین اثر ادبی ایران است و مشتمل بر ۱۷ سرود است که در اوستای کنونی در میان یسن‌ها قرار دارد. و یسن‌های ۲۸ تا ۳۴ و ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳ را تشکیل می‌دهد. اِشَه به معنی راستی و درستی از واژه‌هایی است که به طور مکرر در گاهان اوستا به کار رفته. از نظر پیروان زرتشت راستی و دروغ‌داری مفاهیمی اخلاقی بودند که آنها می‌کوشیدند زندگانی خود را بر اساس این سامان دهند و در دین زرتشت نیز راستی تنها مفهوم اخلاقی ندارد بلکه به معنای «سامان هستی»، «نظام آفرینش» و «وظیفه‌شناسی» نیز هست (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ۵۱). مظهر اِشَه بر زمین آتش است و آتشگاه جایگاه ستودن اهورامزدا است (بهار، ۱۳۹۰، ۹۹). اندیشه و تأمل دین مردان بر اِشَه با تفکرات آنان در باب جهان مادی، که اِشَه نظم را بر عهده داشت، مرتبط بود. ایرانیان باستان مردمی قانون مدار بوده‌اند و زرتشت نیز بر اساس قانون و اِشَه، اعتقاد به بازسنجی و داوری منصفانه به گاه مرگ را برای روان به پیش کشید (بویس، ۱۳۸۷، ۱۳۹). ثنویت مشخصه دین زرتشتی است، و آن اعتقاد به وجود دو نیروی متضاد است که دست‌اندر کار عالمند. آریاهای باستان به دو نیروی متضاد «راستی» یا «نظم» (اِشَه) و «دروغ» یا «بی‌نظمی» اعتقاد داشتند و این همان اندیشه‌ای است که دین زرتشتی آن را اتخاذ کرد و گسترش داد. در این دین پیروان «راستی» و «اِشَه» اشون و پیروان «دروغ» دروگون نامیده می‌شوند (هینلز، ۱۳۸۷، ۶۷). نگارنده در این مقاله به واژه «اِشَه» در یسن ۲۸ اشاره کرده است.

تجزیه و تحلیل واژه اِشَه در گاهان

ahiiā yāsā nəmañhā
mainiiəuš mazdā paouruuīm
vañhəuš xratūm manañhō

ustānazastō rafəðrahiīā/
spəntahiiā ašā vīspəng šiiəoθanā
yā xšəuuīšā gəušcā uruuānəm

برای ستایش خلقت خرد مقدس مزدا دست‌ها را برای یاری خواستن بلند نموده پیش از همه چیز خواستارم، ای اشا که وهومن و روان آفرینش را از خود خوشنود سازم (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۱).

با نیایش و با نماز، دست برافراشته به وی از او می‌خواهم نخست ای مزدا! یاری سپند مینو را تا همه کارها را از طریق اِشَه انجام دهم که بتوانی از طریق آن خرد اندیشه نیک و روان آفرینش را خشنودسازی (Insler, 1975, 24).



در این بند پیامبر خواستار آئین راستین (آشا) است که با آن خرد همراه اندیشه نیک و نیز روان آفرینش را خشنود سازد.

yə vā mazdā ahurrā
maibiiō dāuuōi ahuuā
āiiaptā ašāṭ hacā

pairī.jasāi vohū manaṅhā
astuuatascā hiiatcā manaṅhō/
yāiš rapəntō daidīṭ x^vāθrē

منم آن کسی که برای خدمت شما خواهم ایستاد ای مزدا اهورا و ای وهومن به واسطه راستی شکوه هر دو جهان به من ارزانی دارید از آن شکوه مادی و معنوی که دینداران را خرمی و شادمانی بخشد (پوردادو، ۱۳۸۴، ۱۳۱).
من که برای شما ای اهورای دانا با اندیشه نیک خدمت خواهم کرد. به من پادشاهی هر دو جهان مادی و مینوی را بدهید پادشاهی برخاسته از راستی را که حامیان را با آنها خرمی و شادی بخشد. (Insler, 1975, 24).
در این بند پیامبر آئین راستین را برای یاوران و پیروان از اهورامزدا می خواهد و پادشاهی که به دنبال انجام آئین راستین به دست می آید که با این پادشاهی آنها به شادی برسند.

yə vā ašā ufiānī
mazdāmcā ahurəm
varədaīṭ ārmaitiš

manascā vohū apaouruuīm
yaēibiiō xšaθrəmcā aṅzaonuuamnəm
ā mōi rafəḍrāi zauuəng jasatā

منم آن کسی که ای مزدا اهورا و ای اشا و ای وهومن شما را و از برای کسانی که آرمتی کشور فناپذیر را می آراید، سرود گویانم، سرودهایی که تاکنون کسی نسرود که وقتی که شما را بیاری می خوانم برای دستگیری من بشتابید (پوردادو، ۱۳۸۴، ۱۳۱).
من که شما را ای آشه خواهم سرود نه چون گذشته و وهومن را و اهورامزدا را برای همه آنانی که ارمتی، شهریاری پایدار را می افزایشد، شما را بیاری می خوانم باشد که برای یاری به سوی من آید. (Insler, 1975, 24).
در این بند از فرشتگان (= امشاسپندان) سخن رفته که اشه یکی از فرشتگان به حساب می آید که همچون امشاسپندان ستایش می شود.

yə uruuānəm mən gairē
ašīšcā šiiioθənanam
yauuaṭ isāi tauuācā

vohū dadē haθrā manaṅhā
vīduš mazdā ahurahiīā
auuaṭ xsāi aēšē ašahiīā

منم آن کسی که با منش پاک از برای محافظت روان دینداران گماشته شده ام چه از پاداش مزدا اهورا برای کردار نیک آگاهم تا مرا تاب و توانایی است خواهم تعلیم داد که مردم به سوی راستی روند (پوردادو، ۱۳۸۴، ۱۳۱).



من که همراه با اندیشه نیک، روان را همراه با ستایش در بالاترین جای در نظر می گیرم و نیز پادشاهی که برای کارها در نظر گرفته است، آگاهم تا زمانی که تاب و توان دارم نظاره گر راستی و در جستجوی آن خواهم بود (Insler, 1975, 24).

در این بند اشاره دارد که مردم به آیین راستین رهبری می شوند تا در روز واپسین برای کردارهای نیکشان پادشاه دریافت کنند.

ašā kaṭ θβā darəsānī

gātūmcā ahurāi

anā maθrā mazištəm

manascā vohū vaēdəmnō

səuuīštāi səraošəm mazdāi

vāurōimaidī xrafstrā hizuuā

ای راستی که به تو خواهم رسید کسی مانند دانایی از دیدن منش پاک خشنود خواهم شد و از نگرستن بارگاه اهورای بزرگ و شکوه مزدا، امیدوارم که با زبان خویش و به توسط این آیین راهزنان را به سوی آن کسی که بزرگتر از همه است هدایت کنم (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۳).

ای راستی کی تو را خواهم دید من که می پذیرم اندیشه نیک را به عنوان جایگاهی برای اهورا و فرمانبرداری نیرومندترین دانا. ای خرفستران با این مانثره (کلام مقدس) با زبان، بزرگترین فرمانبرداری را دریافت خواهیم کرد (Insler, 1975, 24).

در اینجا راستی را آرزو می کند تا با کردار راست و منش پاک و نیز کلام مقدس به فرمانبرداری از نیرومندترین (اهورامزدا) نائل آید.

vahū gaidī manaṅhā

əṛəšuuāiš tū uxδāiš mazdā

ahmaibiiācā ahurā

dāidī ašā dā darəgāiiū

zaraθuštrāi aojōṅhūuaṭ rafəno

yā daibišuuatō duuaēšā tauruuaiāmā

ای مزدا بنابر وعده مطمئن خویش با وهومن و اشه به سوی زرتشت آمده مرا پایداری و پناه استواربخش تا از پرتو آن بتوانم به خصومت دشمنان غالب گشته پیروز شوم (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۳).

با اندیشه نیک بیا ... با راستی به عنوان هدیه ای دیرپا بده از طریق گفتار بلندت ای دانا! یاری استوار را به زرتشت و به همه ما ای اهورا، که از طریق آن بتوانیم بر دشمنی های دشمن پیروز شویم (Insler, 1975, 24).

در این بند اشه فرشته است در اینجا از اهورامزدا خواسته می شود که همراه اندیشه نیک و گفتار نیک، راستی را هدیه کند تا بتوان بر دشمنی ها پیروز شد.

dāidī ašā ṭəm ašīm

dāidī tū ārmaite

dāstū mazdā xšaiiācā

vaṅhəuš āiiaptā manaṅhō

vīštāspāi išəm maibiiācā

yā və maθrā srəuuīmā rādā



ای راستی شکوه منش پاک را از آن من ساز تو ای آرمیتی، حاجت گشتاسب و مرا بر آر، ای مزدا و پادشاه من چنان ساز که پیغمبر تو بتواند شنوندگانی برای خود فراهم کند (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۳).
 بده ای راستی این پادشاه را، پادشاهای اندیشه نیک را، بده ای آرمیتی، نیرو به گشتاسب و به من، باشد که بدهی ای دانا و باشد که فرمان بدهی با مانتره باشد که از طریق آن شنوندگان خود را بپذیریم (Insler, 1975, 24).
 در این جا آیین راستین است که به ما پادشاه می دهد. از آشه خواسته می شود که پادشاهای اندیشه نیک به گشتاسب و زردشت اعطا کند.

vahištəm θβā vahištā
 ahurəm yāsā vāunuš
 yaēbiiascā iṭ rānhaṅhōi

yəm ašā vahištā hazaošəm
 narōi fərašaoštrāi maibiiācā
 vīspāi yauuē vaṅheuš mananḥō

تو ای بهتر از همه و با بهترین راستی هم اراده برای فروشستر و خود من و از برای کسی که اراده تو در آن باشد، نیک تر چیز را که نعمت پاک منشی جاودانی است از تو تمنا دارم (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۳).
 تو ای بهترین، بهترین اهورایی که با بهترین راستی است، عاشقانه می خواهم بهترین چیز را برای فروشستر قهرمان و برای من و برای آن دیگرانی که آن را خواهی بخشید، آن بهترین را برای همه زندگی جاودانه با اندیشه نیک (Insler, 1975, 26).

در این بند بخشایش و جاودانی راستی از اهورامزدا خواسته شده است و اهورا که بهترین است با بهترین آشه همراه است.

anāiš vā nōiṭ ahurā
 manascā hiiṭ vahištəm
 yūžəm zəuuīštiiāṅhō

mazdā ašəmcā yānāiš zaranaēmā
 yōi və yōiθəmā dasəmōē stštama
 išo xšaθəmcā sauuaṅham

از پی شکرانه بخشش تو ای اهورامزدا و ای راستی و ای منش پاک همواره در کوششم که مورد غضب واقع نشوم سرودهای ستایش خود را نیازت می کنم، ای کسی که آرزوهای ما از تو بر آورده و امید بهشت ما به سوی توست (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۵).

باشد با این درخواست ها نیاز داریم شما را ای مزدا اهورا! و نه راستی و نه اندیشه نیک را که بهترین است ما که جای می گیریم در عرضه ستایش ها به سوی شما که چابک ترین هستید، نیروی دهندگی را و توانایی بر سود را (Insler, 1975, 26).

در این بند آشه فرشته اهورامزدا است که امید ما به سوی بهشت است و ما نباید با درخواست های خویش آشه و اندیشه نیک و نیز اهورامزدا را بیازاریم زیرا اهورامزدا خود آرزوهای ما را بر آورده کرده و به سوی بهشت رهنمون می سازد.



aṭ yəng ašāaṭcā vōistā
 ərəθβəng mazdā ahurā
 aṭ və xšmaibiiā asūnā

کسانی را که تو از برای درستی کردار و پاکی فکرتان سزاوار می شناسی آرزوی آنان را برآورده، کامروا فرما چه به خوبی می دانم این نیایش ها و سرودهایی که تقدیم به تو می شود به درگاهت پذیرفته اثر نیک خود را بروز می دهد (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۵).

به درستی می شناسی کسانی را که از روی راستی و اندیشه نیک درست کردارند، آرزوی آنها را با این خصلت ها برآورده ساز زیرا من آن سخنانی را که با اندیشه نیک و عشق نشأت گرفته اند، می دانم بی پاسخ نمی ماند (Insler, 1975, 26).

در این بند اشاره دارد که راستی و درستی است که ما را به آرزوهایمان می رساند.

yāiš ašəm nipānhē
 tuuəm mazdā ahurā
 mainiiəuš hacā θβā əəñhā

manascā vohū yauuaētāitē
 frō mā sīšā θβahumāṭ vaocaṇ'hē
 yāiš ā aṇhuš pouruiiō bauuaṭ

چون کردار درست و اندیشه نیک مردم را برای محافظت خواهم سپرد از این جهت تو ای مزدا مرا از خرد و زبان خویش بیاموز که زندگانی آینده چگونه خواهد بود (پورداد، ۱۳۸۴، ۱۳۵).

با این نیایش ها راستی و اندیشه نیک را برای همیشه نگه داری خواهی کرد تو ای سرور دانا، سپس بنا بر روانت، با دهان خویش به من بیاموز چگونه بیان کنم چیزهایی را که از طریق آنها هستی نخستین به وجود آید (Insler, 1975, 26).

در این بند اشاره دارد که فرشته اردیبهشت همان آشه است که با کمک امشاسپند بهمن، مردم را کامروا می سازند.



نتیجه گیری:

اشه یا ارته، راستی، درستی، حقیقت و مظهر نظم جهانی در آیین زرتشتی است. این واژه در اوستایی « اشه » و در فارسی باستان « ارته » است. اشه راستی در چرخش جهان و درستی در گردش زمان است. « اشه » پرهیزکاری، پارسایی و فضیلت و تقوی است. آن گونه که از یسن ۲۸ بر می آید زرتشت خواستار « اشه » است که موجب خشنودی روان آفرینش می شود، همراهی با اشه موجب گرفتن پاداش در روز واپسین می شود، اشه همراه با کردار راست و منش پاک و کلام مقدس به فرمانبرداری از اهورامزدا نائل می شود و با همراهی بهمن امشاسپند مردم را کامروا می سازد و با اشه « راستی » آرزوها تحقق می یابد.

کتابنامه:

- بهار، مهرداد، ۱۳۹۰، **از اسطوره تا تاریخ**، تهران: چشمه.
 - بویس، مری، ۱۳۸۷، **آیین زرتشت (کهن روزگار و قدرت ماندگارش)**، ابوالحسن تهامی، تهران: نگاه.
 - پورداود، ابراهیم، ۱۳۸۴، **گاتها، کهن ترین بخش اوستا، تهران: اساطیر.**
 - ویسهورفر، یوزف، ۱۳۸۰، **ایران باستان**، مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
 - هینلز، جان، ۱۳۸۷، **شناخت اساطیر ایران**، ژاله آموزگار - احمد تفضلی، تهران: چشمه.
- Insler, s, 1975, **Gathas of zarathushtra**, Tehran, Acta Iranica 8, Liege



The Word “Asha” in 28th yasn of Avesta Gāhān

Zahra Tabrizi Shahrovi

Ancient Culture and languages Department, Hamedan Branch, Islamic Azad university,
Hamedan, Iran

Abstract

“Aša” or “Arta” has a wide concept in mazdyasna and is one of the most important ones in this religion. Aša means truth and correctness, but its deeper meaning is the eternal law that Ahura mazdā established. According to which every action has a reaction, and every good or bad deed has its own reward or punishment. In Avesta, the holy book of Zoroastrians, and in its oldest part, that is, in the yasnā of Gāhān, the word “Asha” is studied.

Keywords: Asha, Mazdyasna, Gāhān, yasnā